



# درآمدی بر نقد کهن الگویی

● والترکی گوردن

● دکتر جلال سخنور استادیار دانشگاه شهید بهشتی

■ بحث اصلی نقد کهن الگویی این است که بیان ادبی محصول ناخودآگاه تجربه جمعی نوع بشر است.

طبق این تعریف ادبیات پیوندی ریشه‌ای با گذشته فرهنگی بشر دارد

■ یکی از دلایل عمده‌ای که باعث می‌شود شخصیت‌های ادبی نظیر فاوست، مکبث و

هاکلبری فین را مورد تحسین قرار دهیم این است که آنان برخی

از کیفیات لایزال و خصوصیات پایدار تبار انسانی را به نمایش می‌گذارند

در سالهای اخیر مکتبی در نقد ادبی پا به عرصه وجود گذاشته است که هم اسلوب‌های انتقادی پیشین را می‌پذیرد و هم به مخالفت با آن برمی‌خیزد. رهبری این مکتب را «نور ترب فرای»، «لسلی فیدلر»، «ریچاره جیس» و «استتلی ادگارهایمن» بر عهده دارند. آنان پذیرای این تصور کلی هستند که یک اثر هنری محصول فضای فرهنگی است، فضایی که به فراسوی زمان حال و گذشته نزدیک مرتبط می‌باشد. اگر چه آن دسته از منتقدینی که دیدگاهشان مبتنی بر این فرضیه است، شیوه بررسی دقیق، موشکافانه و تحلیلی متن مورد نظر را می‌پذیرند ولی همواره خود بسندگی یک اثر هنری را انکار می‌کنند. آنان همانند منتقدان روانشناس، ضمیر ناخود آگاه را در مد نظر دارند و جوانب جمعی روان انسان را بیش از جوانب فردی آن کاوش می‌کنند. از آنجایی که آنان به هنگام نقد و تحلیل ادبی غالباً به اسطوره روی می‌آورند و بدان اهمیت خاصی می‌دهند، گاهی این مکتب را «مکتب اسطوره‌ای» هم می‌نامند. بهر حال از آنجا که این مکتب انتقادی غالباً بر انگاره‌های تکرار شونده در زندگی انسان - به گونه‌ای که در ادبیات متجلی می‌گردد - تأکید فراوان دارد و اساطیر تنها جزئی از آن را فراموش می‌کند، این چشم انداز ادبی را نقد کهن الگویی می‌نامند. مراد از این واژه (۲) الگویی است که از روی آن نسخه‌های مختلفی تهیه می‌کنند.

تفاوت عمده ما بین تحلیل کهن الگویی و چشم اندازهای پیشین ادبی، آگاهی از آن چیزی است که «فرای» آن را «پوستگی کلی ادبیات» نام نهاده است. بدین معنا که ادبیات از همان نظم جهان اسطوره‌ای، همان الگوهای فرهنگی که روان انسان و حیات اجتماعی وی را می‌نمایانند و بدان شکل می‌دهد، ملهم شده است. «فرای» اجمالاً در مورد این دیدگاه چنین می‌نویسد:

«تمامی تاریخ ادبی از گونه بدوی به صورت پیچیده در حال حرکت است. و در اینجاست که ما، با نگاهی زودگذر، امکان مشاهده ادبیات را با منابع مجموعه‌ای مرکب از یک دسته قواعد نسبتاً ساده و محدود می‌بینیم که می‌توان آنرا در فرهنگ بدوی مورد بررسی قرار داد. اگر چنین باشد، آنگاه جستجوی کهن الگوها به منزله نوعی مردم شناسی ادبی است که با شیوه تجسس یافتن ادبیات از طریق مقوله‌های ما قبل ادبیات نظیر مراسم عبادی، اسطوره و افسانه‌های نیاکان سر و کار دارد.»

بحث اصلی و جدال برانگیز نقد کهن الگویی بر سر این است که بیان ادبی، محصول ناخود آگاه تجربه جمعی نوع بشر است. طبق این تعریف ادبیات پیوندی ریشه‌ای با گذشته فرهنگی بشر دارد. در تأیید این مدعا، نقد کهن الگویی به زمینه‌های غیر ادبی گذشته تاریخی و ماقبل تاریخ بشر که شامل مذهب، مردم شناسی و فرهنگ عامه است تکیه دارد، تا بدین ترتیب ذهن خلاق انسانی را درک و تفسیر نماید. تمدن بشر - تشریفات مذهبی و رسوم عبادی وی، عرف عمومی، عادات و اسطوره‌ها - و در حقیقت کلیه اعتقادات و اعمال که بر روی رفتارهای فرهنگی انسان را تشکیل می‌دهد مورد توجه خاص این منتقدان است.

اساس ادعاهای منتقدان الگوی کهن بر نظریات «کارل یونگ» (۱۹۶۱ - ۱۸۷۵) روانشناس سوییسی استوار است. تحقیقات وی بر روی ماهیت ذهن انسان دو ایده بسیار مهم و موثر برای نقد ادبی به ارمغان آورد که عبارتند از: مفهوم ناخود آگاه جمعی و نظریه الگوی کهن. بحث در باره این مفاهیم پیش از به کار

می‌دانیم که فروید به «ناخود آگاه فردی» معتقد می‌بود. بدین معنا که روان هر فرد با روان دیگر افراد متفاوت دارد. «یونگ» با این نظر اساسی موافق بود ولی به هر حال اظهار می‌داشت که یک جنبه از روان فرد در کلیه افراد نوع بشر یکسان است. او بر این باور بود که این بخش از روان آدمی به فراسوی تجارب شخصی سیر می‌کند و از آنجا که از فالوده و منبع مشترکی نشأت می‌گیرد در تمامی اذهان مشابه است. بنابراین از نظر یونگ تجارب فرد تابع تجارب نژاد بشر و حاصل آژوده‌های تمام کسانی است که پیش از این بر گذشته‌اند. «یونگ» نگاره ذهنی ناخودآگاه این تجارب را «ضمیر ناخودآگاه جمعی» نامیده است و آنرا چنین توصیف می‌کند:

«این حیات روحی همانا ذهن اجداد و پیشینیان ماست، یعنی طرز فکر و چگونگی احساسات آنان و تصور آنان از حیات و جهان، از خدایان و انسانها وجود این رگه‌های تاریخی احتمالاً منبع اعتقاد به تناسخ (۳) و باورداشت خاطرات زندگی‌های پیشین است. همچنانکه جسم به سان موزه‌ای برای بررسی تاریخ تکامل تن است فکر و ذهن نیز دارای چنین حالتی است. هیچ دلیلی برای پذیرش این باور نیست که روان با آن ساختار ویژه‌اش تنها چیزی در این جهان باشد که سابقه‌های فراسوی تظاهر وجودی خود ندارد. حتی نمی‌توان منکر این امر شد که ذهن آگاه تاریخچه‌ای دارد با قدمت حداقل پنج هزار سال. تنها خود آگاهی فردی (۴) است که همیشه آغازی نو و پایانی زودرس دارد. ولی روان ناخودآگاه نه تنها بسیار کهن است بلکه در راستای آینده‌ای به همان اندازه دور قادر است رشد افزایشده‌ای یابد. روان ناخودآگاه همانند جسم - که به صورت فردی، فانی است ولی به طور جمعی تداومی بی حد و مرز دارد - شکل دهنده نوع بشر و بخشی از آن به شمار می‌رود.»

یونگ همچنین معتقد بود که ضمیر ناخود آگاه جمعی به طور مستقیم قابل شناخت نیست بلکه خود را در قالب یک الگوی کهن متجلی می‌سازد. یونگ الگوی کهن را چنین تعریف می‌کند:

«نقشی از دیو، انسان یا یک فرایند که در مسیر تاریخ هر جا که وهم و خیال خلاقه تجلی تام کند تکرار می‌گردد. بنابراین این نقشی اساساً اسطوره‌ای است. اگر تحقیق بیشتری در باره این صورخیال به عمل آوریم پی خواهیم برد که نتایج مدون تجارب بی شمار اجداد ما می‌باشند. این نقوش همواره ته نشین ذهنی تجربه‌های بیشماری از یک نوع اند.»

کیفیت بنیانی الگوی کهن - همانگونه که یونگ تصور می‌کرد - ابتدائی بودن صورت ذهنی است، منی بیان نیم هشیار و غریزی طبیعت اصلی انسان. بیست شناسان دیر زمانی است که یک چنین الگوهای فکری ذاتی را در حیوانات بست تر تشخیص داده‌اند. نه سازی پرندگان، آئین رقص زنبوران، غریزه رتیدن در عنکبوتها و عادات مهاجرت برخی از پندگان، همه و همه نمونه‌هایی هستند غیر انسانی که نظر می‌رسد از کهن‌ترین گونه‌های اولیه ناشی شده‌اند. یونگ فکر می‌کرد که به همین ترتیب بروهای روان تنی ظریف و فعال و نیروی بازگشت به بوی نیکان رفتار بشر را در انگاره‌های محسوس بت نگاه می‌دارد. وی همچنین معتقد بود که گرچه الگوهای کهن ممکن است به اشکال بی شماری در

آیند ولی انگاره‌های اصلی آنها از طبیعت انسان به عنوان يك وجود اجتماعی، روانی و زیستی نشأت می‌گیرد.

یونگ همچنین ادعا می‌کرد که الگوی کهن، جهانی است و از ذهن و روان انسان بدون در نظر داشتن زمان و مکان هستی می‌یابد. پیام و تفسیر الگوی کهن در نزدیکی از افراد قبیله «باتو»<sup>(۵)</sup> همانقدر گویا و پر معنی است که برای يك مدیر تبلیغات، و به يك گلابدیانورومی همانقدر مربوط است که به يك فضاورد. از آنجایی که مکانیزم عصبی - روانی انسان با گذشت زمان و با تغییر مکان به نسبت اندکی دچار دگرگونی می‌شود و از آنجایی که انسان اصولاً تجارب اساسی مشابهی را کسب می‌کند به ناچار پیام و تصویر ضمیر ناخودآگاه جمعی او یکسان خواهد بود.

باقته‌های بسیاری از مردم شناسان امروزی به نظرات یونگ اعتبار می‌بخشد؛ تحقیقات به عمل آمده حاکی از وجود تشابهات حیرت آورین اسطوره‌هایی است که از نواحی جغرافیائی و فرهنگی بسیار متفاوت جمع آوری شده است. به عنوان مثال داستانهای که مشتمل بر شرح خلقت انسان و دنیاست، جهانی به نظر می‌رسد. مایاتی‌های باستان و پیروان آئین بودا، هندوها و مسیحیان همگی با مسئله درک وجود خویشتن به عنوان الگویی کهن مواجه بوده‌اند. تعبیر آنها که در کتابهای مقدس، آیینهای مذهبی و عادات و رسوم وابسته به شاعران دینی آمده است به نحو حیرت‌آوری با یکدیگر تشابه دارند.

دیگر موتیف‌های جهانی یا شبه جهانی که مردم شناسان گزارش کرده‌اند عبارتند از داستان‌های ویرانی جهان توسط سیل، خشکسالی، طاعون یا زمین لرزه، کشتار هیولاها، اسطوره‌های مربوط به زانی یا محارم، رقابت‌های هم‌نژادان و افسانه‌های اودیپ. مطمئناً جزئیات این داستانها اغلب از فرهنگی به فرهنگ دیگر به شدت تغییر می‌یابد. ولی انگاره‌های اصلی آنها به نحو شگفت انگیزی یکسان می‌ماند. پایانی این داستانها را نیز نمی‌توان از طریق مرآده بین مردمانی که انشاء کننده آنها بوده‌اند توجیه کرد. برخی از نواحی از نظر جغرافیائی به حدی از هم دور افتاده‌اند و احتمال آمیزش و ارتباط این مردم آنچنان بعید است که بسیاری از مردم شناسان، همگام با یونگ، نتیجه گیری کرده‌اند که این داستانها و داستانهای مشابه آنها از مشکلات مشترک مردم گوناگون به هنگام رویارویی با عالم وجود، خدایان ذهنی، والدین و اولاد سرچشمه می‌گیرد و این بدان معناست که آنان بر این باورند که ریشه این داستانها از تجربه‌ها، نگرشها و مسایلی که بیشتر، «جهانی» اند تا «ویژه»، ناشی می‌شود.

ویژگی غائی الگوی کهن، وقوع مکرر آن است. از دوران ماقبل تاریخ تا پایان عمر کره زمین این ویژگی بیانگر واکنش انسان نسبت به اوضاعی اساساً تغییر ناپذیر می‌باشد. در هر نسل، خوانندگان به طور ناخودآگاه نسبت به الگوی کهن واکنش نشان می‌دهند زیرا انگاره‌ای را که در ضمیر ناخودآگاه جمعی آنان نقش بسته است بر می‌انگیزد. یکی از دلایل عمده‌ای که موجب می‌شود آفرینش

شخصیت‌های ادبی نظیر فاوست، مکبث و هاگلبری فین را مورد تحسین قرار دهیم این است که آنان برخی از کیفیات لازمال و خصوصیات پایدار تبار انسانی را به نمایش می‌گذارند. هنگامی که الگوی کهن به گذشته قومی گام می‌نهد و پیشروان معنوی زمان حال را از تو می‌آفریند هر نسلی خود را می‌شناسد و با اختلاس خود نسبت بدن واکنش نشان می‌دهد. یونگ بر این باور بود که روند خلاقیت عمدتاً شامل تجسم بی در پی و توارثی الگوهای کهن و تبدیل صور خیال نخستین «به زبان معاصر است به نحوی که این امر را برای هر انسانی مقدور می‌سازد تا دیگر باره چشمه‌های ژرف حیات را که جز از این طریق بر روی او بسته خواهد بود، بیابد.» تعداد احتمالی الگوهای کهن به اندازه تنوع تجربه‌های انسانی نامحدود است. ولی به هر جهت به لحاظ ظاهر، آنها را می‌توان در سه دسته اصلی تقسیم بندی نمود:

- ۱) اشخاص داستان
  - ۲) موقعیت‌ها
  - ۳) نمادها یا همخوانی‌ها
- اشخاص داستان  
الف) قهرمان داستان

لرد راکلان در کتاب قهرمان - بررسی کلی سنت، اسطوره و نمایش<sup>(۸)</sup> مدعی است که این الگوی کهن آنچنان به وضوح بیان شده است که زندگی قهرمان اصلی داستان را می‌توان آشکارا به یکسری حوادث کاملاً مشخص تقسیم نمود که قویاً دلالت بر انگاره‌ای تشریفاتی دارد. راکلان در می‌یابد که عرفاً مادر قهرمان داستان زنی پاکره است. شرایط بارداری وی غیر عادی است و به هنگام تولد کوششی در جهت نابودی طفل به عمل می‌آید و با اینحال وی به طور مرموزی زنده می‌ماند و پیک زوجه او را به فرزند خواندگی می‌پذیرند. در باره دوران کودکی او تقریباً هیچ نمی‌دانیم ولی هنگامی که به مرحله جوانی می‌رسد، به قلمرو حکمرانی آینده خود باز می‌گردد. پس از آنکه بر شاه یا «ددی وحشی» فائق می‌آید با شاهزاده خانمی ازدواج می‌کند. خود بر تخت پادشاهی می‌نشیند و بی آنکه رویداد مهمی در کار باشد سالها به سلطنت ادامه می‌دهد. ولی بعدها مورد قهر خدایان قرار می‌گیرد. آنگاه از شهر رانده می‌شود و مرگی مرموز - آن هم اغلب بر فراز تپه‌ای - به سراغش می‌آید. جسدش به خاک سپرده نمی‌شود ولی با این حال صاحب یک یا چند مقبره مقدس است. شخصیت‌هایی که کم و بیش نمونه‌های این الگوی کهن به شمار می‌روند عبارتند از: اودیپ، تسوس<sup>(۹)</sup>، رمولوس<sup>(۱۰)</sup>، پرسوس<sup>(۱۱)</sup>، ژاسن<sup>(۱۲)</sup>، دایانیسوس<sup>(۱۳)</sup> و... زیگفرید<sup>(۱۴)</sup> آرتور، رابین هود، واتوگانانگ (اهل جاوه) و لیولیا و گیفز (قهرمان سلتی).

ب - قربانی<sup>(۱۵)</sup>

حیوان یا معمولاً انسانی که مرگش طی يك مراسم عمومی کفاره گناه یا خطائی است که متوجه جامعه گردیده است (به عنوان نمونه در کتاب قرعه اثر شرلی جکسون<sup>(۱۶)</sup>).

پ - مطرود

شخصی که به جرم بزهکاری و قتل هم‌نوع خود از يك گروه اجتماعی رانده می‌شود. مطرود، معمولاً

محکوم به آوارگی و سرگردانی است (برای نمونه می‌توان از قابیل، یهودی سرگردان و دریانورد پیر<sup>(۱۷)</sup> نام برد).

ت - نقش شیطان

این شخصیت که تجسم اهریمن است در اذای تملک روان قهرمان اصلی داستان، به وی بهره‌های کلامی، شهرت یا دانش می‌دهد. (برای نمونه می‌توان از لوسیفر<sup>(۱۸)</sup>، مفیستوفل<sup>(۱۹)</sup>، شیطان و افسانه فاوست<sup>(۲۰)</sup> نام برد).

ث - نقش زن

۱- مهد زمین: سمبول باروری، وفور و حاصلخیزی است این شخصیت به طور مرسوم به تمام کسانی که با وی در ارتباط و تماس اند قوت عاطفی و روحی ارزانی می‌دارد. (برای نمونه می‌توان از مادر طبیعت، مام وطن، و مادر رضاعی و بخشنده<sup>(۲۱)</sup> نام برد).

۲- وسوسه‌گر: صفت مشخصه این زن زیبایی جسمانی اوست و قهرمان اصلی داستان به لحاظ بدنی، مجذوب وی می‌گردد و در نهایت موجبات سقوط خود را فراهم می‌آورد. (برای نمونه می‌توان دلیده<sup>(۲۲)</sup>، حوریان دریائی<sup>(۲۳)</sup> و کلئوپاترا<sup>(۲۴)</sup> را نام برد).

۳- کمال مطلوب افلاطونی: این زن منبع الهام و از نظر معنوی کمال مطلوب است. شخصیت اصلی داستان یا نویسنده به لحاظ فکری - و نه زیبایی - مجذوب وی می‌گردد. (برای نمونه می‌توان از بئاتریس دانته<sup>(۲۵)</sup>، لورای پترارک<sup>(۲۶)</sup> و اکثر قهرمانان زن در اشعار شلی نام برد).

۴- همسری وفا: زنی که شوهر خود را کودن و بی احساس یافته و به لحاظ جسمی به مردی نیرومند تر و خوش آیندتر دل می‌بندد. (برای نمونه می‌توان از گینه‌ور<sup>(۲۷)</sup>، مادام بواری<sup>(۲۸)</sup>، آناکارینا<sup>(۲۹)</sup> و لیدی چترلی<sup>(۳۰)</sup> نام برد).

۵- عشاق نگون بخت: مرد و زن جوانی درگیر عشق شومی می‌گردند که سرانجام تراژیک آن، مرگ یک یا هر دو است. (برای نمونه می‌توان از رومئو و ژولیت، داستان وست ساید، تریستان و ایزوت<sup>(۳۱)</sup>، هیروولیندر<sup>(۳۲)</sup> نام برد).

موقعیت‌ها

الف) طلب

این موتیف بیانگر پوشی است برای یافتن شخص یا طلسم و تعویذی که پس از دست یابی و عودت آن باروری به یک سرزمین بی‌حاصل اعاده می‌گردد. ویرانی این سرزمین انعکاسی است از بیماری و ناتوانی رهبر آن. جسی‌ال. وستون در اثر خود بانام از آتین عبادی تارمانس<sup>(۳۳)</sup> منظری از این الگوی کهن را از طریق جستجوی کاوین<sup>(۳۴)</sup>، پرسپوال و کالادها<sup>(۳۵)</sup>، در طلب جام مقدس<sup>(۳۶)</sup>، ترسیم می‌کند. این موقعیت در «غزلیات پادشاه» اثر تینیس<sup>(۳۷)</sup> و در اشعار کوتاهتر موریس براونینگ و آرنولد بکار رفته است. تعقیب چنین امیز «آهب» در طلب نهنگ سفید در کتاب «مویی دیک» گونه‌ای از این الگوی کهن به شمار می‌رود.

ب) تکلیف

قهرمان داستان برای نجات کشورش، دستیابی به بانوی زیبا و مورد علاقه‌اش و اثبات هویت خود به منظور تثبیت مقام بحق‌اش - باید به پاره‌ای اعمال خارق‌العاده دست زند. (برای مثال ادیسه باید زه را به کمان زند، اوتور باید شمشیر را از دل سنگ بیرون

کشد، بیولوف باید گردنل<sup>(۳۸)</sup> را به قتل رساند.)  
پ) تشریف<sup>(۳۹)</sup>

معمولا به معنای دخول در زندگی است و در توصیف نوجوانی که به مرحله بلوغ و بختگی می‌رسد به کار می‌رود. چنین کسی در روند رشد با مشکلات و مسئولیت‌های عیدیه‌ای مواجه می‌گردد. بیداری، آگاهی یا بیشتر نسبت به جهان و انسانهایی که در آن می‌زند معمولا نقطه اوج این موقعیت کهن الگویی را شکل می‌بخشد. (برای نمونه می‌توان از هولدن کول فیلد، هاکلبری فین، استفن ددالوس و یوجین گانت<sup>(۴۰)</sup> نام برد).

ت) سفر

سفر معمولا بایک یا همه کهن الگوهای مربوط به موقعیت که در بالا گفته شد ترکیب می‌گردد. از سفر برای رهسپار ساختن قهرمان در طلب اطلاعات یا حقایق روشنگرانه استفاده می‌شود. یکی از کاربردهای معمول کهن الگوی سفر، فرود آمدن به جهنم است. (برای نمونه می‌توان از کتابهای ادیسه، آئید، دوزخ، اندی میون<sup>(۴۱)</sup> و اولیس جیمز جویس نام برد). دومین کاربرد این الگوی کهن ترسیم تعداد محدودی مسافر در یک سفر هوایی، دریایی، زمینی یا پیاده به منظور منزوی ساختن و استفاده از آنان به عنوان یک جامعه کوچک می‌باشد. (به عنوان مثال می‌توان از قصه‌های کانتربوری و کشتی ابلهان<sup>(۴۲)</sup> نام برد).

ث - سقوط

این الگوی کهن فرو افتادن از یک مرتبه بالاتر وجود به جایگاهی پست‌تر را نشان می‌دهد. چنین تجربه‌ای متضمن الایش معنوی است و یا ممکن است با از بین رفتن معصومیت و برکت همراه باشد. سقوط همچنین به طور معمول همراه با رانده شدن از گونه‌ای بهشت برین می‌باشد که خود کفیزی برای نافرمانی و تخلف اخلاقی محسوب می‌گردد. (برای نمونه می‌توان از بهشت گمشده و بیلی باد<sup>(۴۳)</sup> نام برد).

ج) مرگ و نوزایی

موتیف مرگ و نوزایی یکی از متداولترین کهن الگوهای موقعیت است که نتیجه تشبیه و انطباق چرخش طبیعت با گردش حیات می‌باشد. بدین ترتیب صبحگاه و هنگام بهار نشانگر زایش، جوانی یا نوزایی و غروب و زمستان نشانه پیری یا مرگ است. مردم شناسان بر این باورند که مراسم باروری و آداب مذهبی مربوط به رشد نباتات معمولا در فصل بهار انجام می‌گرفته است، زیرا که بهار هنگام نوسازی جسمانی طبیعت و زمان مناسبی برای نمایش شعایر و تشریفات مربوط به نوزایی و رستاخیزی معنوی است. سر جیمز فریزر در کتاب شاخه زرین بسیاری از جشنهای مذهبی بازاد خدایان روبه مرگ را که به ویژه مردم مصر و آسیای غربی گرامی می‌داشته‌اند نام می‌برد. گونه گونیهی آتین‌های تشریفاتی و مذهبی ارتباط نزدیک الگوهای فصلی را با تجدید حیات سالانه خدایانی چون اوزیریس، تاموز، ادونیس و

آتیس<sup>(۴۴)</sup> نشان می‌دهد. نویسندگان هم اغلب از این الگوی کهن استفاده می‌کنند. به عنوان مثال زمان شعرهای مرگ و نومییدی معمولا شب هنگام است. (مانند «مرثیه» گری یا «غراب» اثر ادگار آلن پو) و یا فصل زمستان را بدین منظور انتخاب می‌کنند

(همچون شعر «توقف در جنگل در یک شب برفی» رابرت فراست). کاربرد نسبتا متفاوت همین الگوی کهن در زمان «تس»<sup>(۴۵)</sup> نمودار می‌گردد. هنگامی زندگی «تس» به لحاظ معنوی سرشار و از نظر احساس رضایت بخش است درمزرعه‌ای به کارمراقت گاوهای پر دزد. در آنجا نباتات شادانند و زراعت رو دارد ولی آنگاه که دنیای معنوی و احساسی او از دست می‌رود، به هنگامی که زندگی‌اش پوچ و بی هدف می‌گردد، درمزرعه‌ای اجیر می‌شود که بی خاص است و رشد گیاهان‌اش اندک. بدین ترتیب تمام هاردی وضع عاطفی این دختر را درآینه اوضاع طبیی دوزمزرعه منعکس می‌سازد.

نمادها و همخوانی‌ها

ناخودآگاه جمعی، همخوانی ویژه‌ای را میان جهان برون و تجارب روان برقرار می‌سازد. همخوانی‌ها دارای تداوم بوده و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. برخی از همخوانی‌های متداول کهن الگویی به شرح زیر است:

الف) روشنائی و تاریکی

روشنائی معمولا یادآور امید، تازه سازی یا تندرستی فکری است و تاریکی بیانگر ناشناخته‌ها، جرم یا نومییدی است. (بعنوان مثال: شعر «ساحل خول آلوده»<sup>(۴۷)</sup>).

ب) آب و بیابان

از آنجائی که آب لازمه حیات و رشد است، معمولا به عنوان نماد زایش یا باززاد تجلی می‌گردد.

مردم شناسان معتقدند که استفاده از آب در مراسم غسل تعمید - جهت رسمیت بخشیدن تولد معنوی - لحاظ کهن الگویی درخور اهمیت است. به همین ترتیب آمدن باران در یک اثر ادبی می‌تواند بیان نوتوانی یا باززاد یک شخصیت باشد. (به عنوان مثال منظومه دریانورد پیر). برعکس بی حاصلی بیابان اغلب با خشکی و نازائی معنوی رابطه دارد (مانند منظومه سرزمین بی حاصل<sup>(۴۸)</sup>).

ت) بهشت و دوزخ

بشر به طور مرسوم بخشهای دور از دسترس کائنات را با جایگاه نیروهای ازلی - که بر دنیای حکومت می‌کنند - ارتباط می‌داده است. آسمانها قتل کوهها منزلگاه خدایان اوست، قعر زمین مکان نیروهای اهریمنی جهان است. (به عنوان مثال: المپ، جهان زیرین، بهشت گمشده، و کمدی الهی باید توجه داشت که ذهن بدوی تمایلی به تشخیه موشکافانه ندارد بلکه به شرائط متضاد می‌اندیشد. اینرو وقتی الگوهای کهن در یک اثر ادبی می‌آید معمولا اضداد اصلی خود را نیز فراموش نمی‌کنند. خیزر در کشمکش است. تولد در کنار صور خیالی مرگ کداشته می‌شود. ترسیم بهشت در کنار توصیفی جهنم قرار می‌گیرد. برای هر «پنلوپ» معمولا «سرس»<sup>(۴۹)</sup> وجود دارد تا ترازوی کهن الگویی متوازن سازد.

مزایای نقد کهن الگویی آشکار است: نخست که به شیوه‌ای منسجم ادبیات را با دیگر زمینه‌ها فعالیت فکری در ارتباط نگه می‌دارد. ثانیاً با قرار دادن ادبیات در بزرای دورنمای عظیم فرهنگی، راه نویسنده - اثر ادبی - و خواننده را آنچنان مشخصه

سازد که با دیگر روشهای انتقادی قابل قیاس است. همانگونه که استنلی هایمن می گوید: «کهن الگوها در تمامی طول زنجیره ارتباطی وجودند: مانند اشکالی در ضمیر ناخودآگاه هستند، مانند درون مایه‌های تکرار شونده و کلی صور خیال در ادبیات، و مانند تصاویر سکه در ضمیر ناخودآگاه خواننده»  
 به علت این تأکید سه جانبه، نقد کهن الگویی در واحد يك اثر ادبی را از نظر گاهای روان شناختی، شناختی و فرهنگی تحلیل می کند که هیچ اسلوب نادی دیگر نمی تواند مدعی این همه باشد.

اشی و توضیحات مترجم

★ An Introduction to the Archetypal Approach to Literary Criticism by Walter Dill Scott and Gordon

1. Northrup Frye, Leslie Fiedler, Richard Chase, and Stanley Edgar Hyman.

2. archetypal

3. reincarnation

4. individual ego-consciousness

5. Bantu قبیله‌ای در جنوب آفریقا

6. Mayans روان فلسفه هندی

7. symbols or associations

8. Lord Raglan, A Study in Tradition, Myth and Drama.

9. Theseus آتن در نمایشنامه رویای نیم شب ستان اثر شکسپیر

10. Romulus لس و برادرش بنیان گذاران طبری شهر رم بشمار میروند و هر دو از پستان گرگ های شیر خورده اند.

11. Perseus فسانه یونان نام فرزند زئوس نا است، وی جانور مهیب - گرگن - را بقتل رساند.

12. Jason فسانه یونان نام فرزند الیاس برادرزاده و جانشین پلیاس پادشاه یولکوس باشد.

13. Dionysos فسانه یونان نام یکی از خدایان بیاد که خدای سبزیجات و زراعت و نیز حافظ پیش درام محسوب میشده است.

14. Siegfried روان افسانه‌ای آلمان و مان ابرای واگنر

15. Scapegoat بود باستانی) بز طلیمه، فدیه، نانی و سپر بلای دیگران

16. Shirley Jackson's «The Lottery» قصیده دریانورد پیر»

17. The Ancient Mariner کلریج شاعر رمانتیک قرن نوزدهم انگلستان

18. Lucifer شته آتش یا شیطان قبل از سربیزی فرمان خدا و سقوط (رک. به میلتن)

19. Mephistopheles در افسانه آلمانی

20. Faust . به تراژدی دکتر فاستوس اثر استوفر مارلو، ترجمه دکتر صورتگر

21. alma mater مفهوم مادر رضاعی یا مادر هستند. عنوانی است که در اصل رومی‌ها برای ایان متعدد به کار برده اند.

22. Delilah در کتاب سامسون جنگجو اثر میلتن. دلپله نام زنی است که سامسون را رقیفه خود ساخت آنگاه به همسری وی در آمد و با اصرار به رمز نیروی شگفت او که در موهای سرش بود پی برد و با سوءاستفاده از این راز بنفع دشمنان سامسون، به شوهرش خیانت کرد.

23. Sirens در افسانه یونان نام رب النوع دریائی است بصورت مرغی با سر انسان. این موجود فریبنده و اغوا کننده دریانوردان معرفی شده است. رک. به ادیسه اثر هومر، ترجمه سعید نفیسی.

24. Cleopatra ملکه مصر در تراژدی آنتونی و کلئوپاترا اثر شکسپیر.

25. Beatrice نام زنی است که دانه شاعر نامدار ایتالیائی در ایام شباب بوی دل باخته و در آثار خود با نام مستعار بناتریس از او ستایش کرده است. در هیت این محبوبه اختلاف نظر است ولی عقیده غالب آنست که وی همسر سیمون دوباردی بوده است که مرگش در سال ۱۲۹۰ دانه را غرق ماتم ساخت بگونه‌ای که برای تسلی خاطر به خواندن فلسفه رو می آورد.

26. Petrarch's Laura رک. به فرانچسکو پترارک - ادیب و شاعر ایتالیائی و از پیشگامان رنسانس

27. Guinevere در افسانه آرتور، نام همسر آرتور شاه و بانوی لنسلت است.

28. Madame Bovary درمان مادام بواری اثر گوستاو فلوربر

29. Anna Karenina درمان آنا کارنینا اثر لئون تولستوی

30. Lady Chatterley درمان عاشق لیدی چترلی اثر دی. اچ. لارنس

31. Tristan and Isolde داستانی حماسی از گتفرید استراسبورگی در باب عشق ترستان به ایزوت زیبارو.

32. Hero and Leander هیروراهبه زیبا و ندیمه آفرودیت در ساحل غربی هلستان می زیست.

عاشق او جوانی از اهالی ساحل مقابل بنام لیندر بود که همه شب شناکنان بسوی محبوب می شناقت. در حالیکه هیرو، با مشعل فروزانی فرا راه عاشق، در ساحل انتظار می کشید. در یک شب طوفانی لیندر غرق شد و هیرو از شدت نومیدی خود را به دریا افکند. کریستفر مارلو و تامس هود این داستان عاشقانه را به نظم کشیده اند و تامس نش کمپی هزل آمیزی بر این اساس نوشته است.

33. Jessie L. Weston's From Ritual to Romance

34. Gawain همچنین رک. به سرگاوین و شوالیه سبزیوش: منظومه ۲۵۰۰ سطری لادری متعلق به قرن چهاردهم انگلستان.

35. Perceval, and Galahad همچنین رک. به داستان مرگ آرتور اثر سر تامس مالوری

36. Holy Grail جامی که عیسی مسیح در شام آخر

از آن استفاده کرده است.

37. Tennyson's Idylls of the King

38. Grendel غول آدمخوار در Beowulf اثر حماسی انگلوساکسون

39. The initiation تشریف، بیعت و دخول با آئین و دستور ویژه

40. Holden Caulfield Huckleberry Finn

41. Aeneid اثر حماسی ویرژیل شاعر رومی

42. The Canterbury Tales اثر جفری چاسر

43. Billy Budd رمان کوتاهی اثر هرمان ملویل

44. Osiris الهه مصر باستان و خدای عالم اموات، همتای Dionysus در اساطیر یونان

Tammuz الهه بابل و آسوری که مرگ و رستاخیز سالانه اش سمبل چرخه زمستان و بهار بود

Adonis در افسانه یونان

ادونیس نام جوان زیباروی مورد علاقه ونوس است. در عتفوان جوانی خرسی او را کشت و از خونش شقایق (آدونیس) روئید. ونوس آنقدر در ماتم عشق او گریست تا خدایان اجازه دادند مدتی در مرزخ با ادونیس بسر برد و او را دو باره به عالم زندگان آورد.

چشن آدونیا بیاد بود این رستاخیز در اواسط تابستان برگزار می شود.

45. Tess of the D'Urbervilles رمان معروف تامس هاردی

46. Symbols and Associations اثر متیو آرنولد

47. «Dover Beach» شاعر و منتقد قرن نوزدهم انگلستان

48. The Waste Land اثر جنجال برانگیز تی. اس. الیوت شاعر معاصر

49. Penelope زوجه وفادار اودیسی قهرمان جنگ ترا در حماسه ادیسه

Circe در افسانه یونان نام ساحره‌ای در جزیره Aeaea که هر کس از جام او می آشامید تبدیل به خوک می شد. وی اودیسی را در راه بازگشت بسوی دیار و همسر خود اسیر کرد ولی اودیسی پس از یکسال موفق شد خود را از دام او برهاند.

45. Tess of the D'Urbervilles رمان معروف تامس هاردی

46. Symbols and Associations اثر متیو آرنولد

47. «Dover Beach» شاعر و منتقد قرن نوزدهم انگلستان

48. The Waste Land اثر جنجال برانگیز تی. اس. الیوت شاعر معاصر

49. Penelope زوجه وفادار اودیسی قهرمان جنگ ترا در حماسه ادیسه

Circe در افسانه یونان نام ساحره‌ای در جزیره Aeaea که هر کس از جام او می آشامید تبدیل به خوک می شد. وی اودیسی را در راه بازگشت بسوی دیار و همسر خود اسیر کرد ولی اودیسی پس از یکسال موفق شد خود را از دام او برهاند.

45. Tess of the D'Urbervilles رمان معروف تامس هاردی

46. Symbols and Associations اثر متیو آرنولد

47. «Dover Beach» شاعر و منتقد قرن نوزدهم انگلستان

48. The Waste Land اثر جنجال برانگیز تی. اس. الیوت شاعر معاصر

49. Penelope زوجه وفادار اودیسی قهرمان جنگ ترا در حماسه ادیسه